

## هنگامه ها برای رفع نقیصه ها

### بیست و پنجمین هنگامه

#### بیانات شهیرایران در مصاحبه پاری ماچ

امیرفیض حقوقدان

این مصاحبه پاری ماچ که واجد مراتب بسیار بااهمیت از نظر موضع حقوقی اعلیحضرت است، در تاریخ ۲۴ فوریه سال ۱۹۸۴ چند ساعت بعد از ترور ارتشبد اویسی و برادرش در پاریس انجام گردید، توجه به مصاحبه مزبور مشکلات و ابهامات و چراغهای زیادی را در رابطه با مبارزه پاسخگوست.

اولین پرسش پاری ماچ چنین است:

سازمان جهاد اسلامی، چند ساعت پس از قتل ارتشبد اویسی و برادرش اعلام کرد که در فهرست آنان نفری شما هستید. نسبت به این حکم محکومیت به مرگ و بالاگرفتن جنگ عراق و اوج خمینی گرانی چه احساسی دارید؟

شهیرایران پاسخ مردانه و متهورانه ای به پرسش بالا میدهد (علاقمنان مشروح فرمایشات شهیرایران میتوانند به سنکر ۲۰ اسفندماه ۱۳۶۲ شماره ۱۹۶ رجوع فرمایند)

پاری ماچ - ۵ سال است که شما در تبعید بسر میبرید، آیا هنوز توانائی تاثیرگذاری بر رویدادها را دارید؟

شهیرایران - من از منابع اطلاعاتی خود سخن نخواهم گفت زیرا ممکن است چندان معتبر به نظر نرسد ولی بر مطالبی که در مطبوعات به چاپ رسیده تکیه میکنم. در پنجم اوت گذشته که سالروز قانون اساسی ۱۹۰۶ است تظاهرات مهمی

در تهران و شهرهای بزرگ صورت گرفت در این تظاهرات ایرانیان دلبستگی خود را به این قانون که مامیخواهیم به ایران

بازگردانیم ابراز نمودند.

ملت ما چند سال است که ارتباطش، باتکیه گاه های معمول خود قطع شده است، تکیه گاههای تاریخی، فرهنگی و مذهبی.

ملت ما تمام آزادیهای خود را از دست داده است بنابر این بیش از هر زمان دیگر، سلطنت مشروطه را بعنوان تنها آلترناتیو

مثبت و مطلوب پس از نابودی رژیم کنونی مینگرد (۱)

پاری ماچ - در مانیفستی که در آوریل سال ۱۹۸۳ خطاب به ملتتان انتشار دادید اعلام کردید که سلطنت موهبتی است الهی که از سوی ملت به شخص پادشاه تفویض میشود پس از پیروزی و رسیدن به فردای روشن، اختیار تصاحب میراث خود را بر عهده آرای شما میگذارم - آیا میتوانید در این مورد توضیح بیشتری بدهید؟ (۲)

پاسخ شهیرایران - برای ما تنها این نیست که چگونه از رژیم کنونی خلاص شویم باید تصمیم بگیریم که چه میخواهیم بکنیم و بدانیم هدفمان چیست.

در این مورد شک و تردید جایز نیست همه چیز باید روشن باشد. در سلطنت مشروطه ما، آنگونه که من میفهمم و آنطور که قانون اساسی ماحاکمی است شاه ضامن قانون اساسی و تمامیت ارضی است ولی پادشاهی است که سلطنت میکند نه حکومت.

پاری ماچ - آیا قانون اساسی ۱۹۰۶ و ۱۹۰۷ پیش بینی کرده است که وارث تاج و تخت باید حقوق موروثی خود را از تانید مجلسین بگذرانند؟

شهریار ایران - بله به نوعی. من پس از آنکه بعنوان ولیعهد در تاریخ ۳۱ اکتبر ۱۹۸۰ مسئولیتهای خود را پذیرفتم. علی الحساب شاه ایران هستم اما برای اینکه پادشاهیم صورت عملی بیاید و بتوانم مسئولیتهایم را بر عهده بگیرم واجب است در ایران در برابر مجلس سوگد یاد کنم (۳)

در اینجا مایلیم از ایجاد سوء تفاهم جلوگیری کنیم که قانون اساسی پیش بینی نکرده است که اصل سلطنت به سوال گذاشته شود ایران یک کشور پادشاهی است و در آن سر جانشین بدر میشود بنابراین امکان هیچ سوء تفاهم یا سوء تعبیری در این مورد وجود ندارد (۴)

پاری ماچ - پس شما مایلید یک وارث تاج و تخت دمکرات باشید آمادگی این را دارید که رای مردم را هر چه باشد بپذیرید؟

شهریار ایران - بله این وظیفه من و وظیفه هر ایرانی است که از قانون اساسی اطاعت کند ولی به عنوان پادشاه قانون نقش مهمتری دارم و آن دفاع از این قانون است (۵)

پاری ماچ - آیا تصور میکنید که بتوانید در میان مخالفان رژیم خمینی تفاهم ایجاد کنید و کمک کنید که یک دولت نجات ملی بوجود آید؟

شهریار ایران - اگر هموطنان تبعیدیم مایل باشند تصور میکنم این گام بزرگی بسوی اتحاد خواهد بود ولی تاکید میکنم که در نظرندارم کار سیاسی بازی کنم. میخواهم الهام ببخشم و کمک کنم ولی تشکیل دولت و شرکت در آن از وظائف من نیست (۶)

به احترام مسئولیتهای قانونی خود آماده ام اگر همه مایل باشند این نقش را بر عهده بگیرم ..... البته گردهمایی کلیه مخالفان یک اتحاد عملی بوجود خواهد آورد این گردهمایی میتواند پیرامون محور قانون اساسی ۱۹۰۶ و ۱۹۰۷ ایجاد شود ..... ولی از همه مهمتر آن است که راه نیردی فعال وزنده را در پیش بگیریم و منفعل نمائیم .....

پاری ماچ - دلمشغولی ها، تلخکامی ها و نگرانی های امروز شما هر چه باشد، نخستین وظیفه یک پادشاه بوجود آوردن جانشینی برای خود است آیا اعلیحضرت در این باره نقشه ای دارند (۷)

شهریار ایران - مسئولیتهایی که بر عهده گرفته ام امروز تنها دلمشغولی من است و وظیفه من آن است که در کنار ایرانیان باشم تا آن هاباند که دوش به دوش آنان می جنگم از این گذشته پرنس چارلز انگلستان مگر بیش از ۳۰ سال نداشت که ازدواج کرد.

سوالات چندی هم راجع به ارتباط شهریار ایران با خانواده و مذاکره با آقای امینی و بختیار و احتمال ملاقات با رجوی و اینکه آیا مدتی تعیین کرده اید که بعد از آن بازگشت به ایران دیگر ممکن نباشد مطرح شد که بنظر در ردیف پژوهش هنگامه ها که جنبه حقوقی و سیاسی آن اهم است قرار ندارد/

پژوهشی در روابط حقوقی و سیاسی این مصاحبه

## (۱) یگانه آلترناتیو

بیان شهریار ایران نسبت به آلترناتیو علاوه بر آنکه از مراتب حقوقی برخوردار است از گرایشهای طبیعت انسان نیز پیشترانه دارد انسان ها بهر چیزی که عادت و خو دارند تاجه رسد که آن چیز واجد دستاوردهای رفاهی و مزایا و امثال آنها باشد یک حالت انس و علاقه و حراست از آن را پیدا میکنند. سلب آن امکانات از انسان بهر نحوی که باشد یک حالت آلترناتیوی ایجاد میشود تحمیل جمهوری اسلامی با آن دستاورد های نکبت بار و خونبارش در مقابل آسایش و رفاه مردم در ایام سلطنت چه

آلترناتیوی میتواند بوجود آورد جز رژیم سلطنتی ایران، یعنی همین حقیقت بارز و عینی که شهریار ایران هم در عبارات مختلف آنرا بیان کرده اند (در دانرت المعارف حقوق سیاسی، آلترناتیو جمهوری اسلامی، رژیم سلطنت مشروطه معرفی شده است)

حاشیه = در کمال تاسف، این حقیقت و واقعیت حقوقی ناشی از غصب و نیز گرایش طبیعی مردم به آلترناتیو سلطنت در مقابل جمهوری اسلامی غاصب از توجه شهریار ایران کم کم دور شد تا جایی که اکنون بعد از سی سال در جستجوی آلترناتیو هستند و واژه آلترناتیو و نبود آن و نیاز به ایجاد آن بیشترین سنگینی بار مبارزه را بردوش دارد، در حالیکه اعلیحضرت میفرمایند «ملت ما سلطنت مشروطه را بیش از هر زمان بعنوان تنها آلترناتیو مثبت و مطلوب پس از نابودی رژیم کنونی میدانند. توسل به این عذر موجه نمیباشد و مصداق «آب در کوزه و گرد جهان گردیدن است» (پایان حاشیه)

## (۲) جعل و تقلب در بیان قانون اساسی

به دلیل اهمیت این موضوع توجه بیشتر را مستعدی است:

چنانکه در بیانات شهریار ایران ملاحظه کردید ایشان به اصل ۳۵ متمم قانون اساسی استناد و آنرا با عبارت زیر مستند قرار دادند:

«سلطنت موهبتی است الهی که از طرف ملت به شخص پادشاه تفویض میشود»

کلمه «میشود» جعل و تحریف است صحیح اصل سی و پنجم چنین است.

«سلطنت موهبتی است الهی که از طرف ملت به شخص پادشاه تفویض شده» تفاوت این دو کاملا معلوم است «شده» فعل ماضی و گذشته تمام شده است و کلمه میشود فعل مضارع که اتمام آن به آینده بستگی دارد نتیجه اینکه جعل و تحریفی که در اصل مزبور صورت گرفته سلطنت را از حالت تداوم خارج و مشروعیت آنرا موقوف به همه پرسسی میسازد در حالیکه اصل سی و پنجم مسئله ثبات رژیم سلطنتی ایران را تمام شده و قطعی از طرف ملت میداند.

دلیلی که ثبات و تداوم سلطنت را در اصل ۳۵ نشان میدهد اصل ۳۶ متمم است که میگوید «سلطنت مشروطه ایران از طرف ملت بوسیله مجلس موسسان بشخص اعلیحضرت شاهنشاه رضاشاه پهلوی تفویض شده و در اعقاب ذکور ایشان نسلا بعد نسل برقرار خواهد بود»

این تقلب و تحریف برای اولین بار بوسیله علی امینی در جبهه نجات عملی شد و سپس مورد استفاده و استناد کسانی که با سلطنت مخالف بودند قرار گرفت و بارها و بارها هم در سنگرها بتوضیح رفته است.

## (۳) سوگند سلطنت شرط انتقال سلطنت به ولیعهد نیست

بیانات شهریار ایران مبنی بر اینکه شرط تصدی سلطنت اتیان سوگند سلطنت در مقابل مجلسین است وارد نیست. از آنجا که دلایل این مهم در سنگرها از جمله مقاله «اسیر» در سنگر دهم اسفند ماه ۱۳۶۱ و «تداوم سلطنت» در سنگر دوازدهم بهمن سال ۱۳۶۲ و نیز سنگر بیستم اسفندماه همان سال ارائه شده تجدید آن در این هنگامه بنظر لازم نیست.

## (۴) سلطنت و همه پرسسی

تاکید شهریار ایران به اینکه قانون اساسی پیش بینی نکرده است که اصل سلطنت به سوال گذاشته شود..... کاملا حائز با حقوقی قانون اساسی و سنت پادشاهی در ایران است و با توجه به اینکه در همین مصاحبه تاکید دیگری هم داده اند که «وظیفه من و وظیفه هرایرانی است که از قانون اساسی اطاعت کند ولی بعنوان پادشاه نقش مهمتری دارم و آن دفاع از این قانون است (۵) چرا اعلیحضرت اصرار در لاتاری گذاشتن سلطنت را دارند آیا دفاع از قانون اساسی یعنی قرارداد مبارزه زیر این فکری باطله؟

## (۵) دولت نجات ملی

برای اولین بار در تاریخ ۱۴ فروردین سال ۱۳۶۲ درسنگر شماره ۱۵۵ لزوم تشکیل دولت موقت مطرح گردید بعد از آن دویاروزنامه فرانسوی پاری ماچ لزوم آنرا با اعلیحضرت در میان گذاشت که نوبت اول آنرا در همین مصاحبه و نوبت دوم آنرا در هنگامه های آتی خواهیم دید و بموازات آن برخی از شخصیت های خارجی در مصاحبه ها به لزوم تشکیل دولت موقت و اینکه راه سرراست مبارزه، تشکیل آنرا توصیه میکند اشاراتی داشته اند.

تشکیل دولت از وظائف پادشاه است و دخالت در امور دولت محسوب نمیشود تکلیف شهریار ایران در تشکیل دولت را اصل ۴۶ مقرر کرده و البته که مشارکت در دولت با اجرای اصل ۴۶ بکلی متفاوت است و مشارکت در دولت که اسباب و اهمه شهریار ایران است در تکلیف ایشان هم نیست.

## (۶) معرفی ولیعهد

پاری ماچ دوبار موضوع ولیعهد را با اعلیحضرت در میان گذاشته است یکی در همین مصاحبه و یکی هم در مصاحبه دیگری که در آینده در ردیف هنگامه ها خواهد آمد.

همانطور که پاری ماچ با اعلیحضرت در میان گذاشته سنت تداوم سلطنت انتخاب فوری ولیعهد است.

در پایان پژوهش در بیانات شهریار ایران، عرایضی حضورشان معروض شده است که بخشهایی از آن به این هنگامه منتقل میشود ولی قبل از آن بجاست یک استنتاج کلی از مصاحبه بالا ارائه گردد.

## استنتاج کلی از مصاحبه

مصاحبه خاصه پاسخهای اعلیحضرت نشانگر قاطعیت اعتقاد اعلیحضرت به حقانیت تداوم سلطنت و قانون اساسی و وفادار بودن به وظائفی است که قانون اساسی برای ایشان مقرر کرده است اشاره ای در این مصاحبه وجود دارد که دقت و حساسیت و آگاهی شخص اعلیحضرت نسبت به احترام و رعایت قانون اساسی را برجسته، و مشخص و ثابت میکند که احتیاط لازم در عدم عبور از حد و مرز قانون اساسی را کاملاً مرعی داشته اند. مقصودم آنجاست که مصاحبه کننده علیرغم بیانات شهریار ایران به اینکه قانون اساسی مشروطیت پیشبینی نکرده است که اصل سلطنت به سوال گذاشته شود، معهداً مصاحبه کننده این سوال را مطرح میکند < آیا آمادگی دارید که رای مردم را هرچه باشد بپذیرید..... > اعلیحضرت پاسخ مصاحبه کننده را عطف میدهند به لزوم اطاعت همگان از قانون اساسی یعنی پذیرفتن نظر مردم، آری ولی بشرطی که منطبق با قانون اساسی و حقوق آنها باشد و باتوجه به اینکه در پرسش قبلی، اصل تداوم سلطنت و عدم پیش بینی قانون اساسی مبنی بر به سوال گذاشتن اصل سلطنت به تذکرآمده، دقت و هوشیاری اعلیحضرت به قانون اساسی و حراست از آنرا تحسین آفرین ساخته است (متأسفانه در سالهای بعد و بیشتر اکنون جای آن قاطعیت اعلیحضرت به اعتقاد حقانیت سلطنت و وفاداری و دفاع از قانون اساسی کاملاً خالی است)

اعلیحضرت

از مبارزه رهانی بخش، در مصاحبه با پاری ماچ بنام < نبرد > یاد کرده اید، نبردی که تا بدست آمدن پیروزی همچنان ادامه خواهد داشت. این تشخیص عالی و معتبر اگر در مبارزه ما حضور واقعی داشت و یا داشته باشد راه پیروزی را بسیار کوتاه و هموار خواهد ساخت ..... نبرد، دارای ارکانی حساب شده و عیان است که مهمترین آنها سازماندهی و فرماندهی است.

هیچ نبردی در تاریخ دیده نشده است که بی فرمانده باشد. تاریخ نشان میدهد که نبرد هنگامی آغاز میشود که فرمانده آن معلوم گردیده باشد .....

اعلیحضرتا - ما ایرانیان در نبردی که ۵ سال است برای رهائی کشورمان آغاز کرده ایم، بی فرمانده هستیم و بهمین دلیل حاصل مبارزات ۵ ساله ما اندک تراز آن چیزی است که میتوانست در مدت کوتاهی نصیب ما گردد.

**قانون اساسی مشروطه تنها برای زمان صلح نیست، برای نبرد باهریمنی که ایران ماراشغال کرده نیز هست و ضوابط محکمی دارد. به مقتضای رسالت پادشاهی و تکالیفی که در نجات ایران بعهده همگان و اعلیحضرت است اجازه نفرمائید نبرد مقدسی که باید آغاز گردد بی فرمانده و کم از پایبند و متلاشی گردد.**

مقصود از فرمانده آن نیست که از خارج قشون کشی به ایران بشود بلکه سروصورت دادن به همین وضعی است که شهریار ایران از آن بنام نبرد یاد فرموده اند و در واقع بجای نبرد یک تعارف است، مقصود این است .....

مقصود این است که نیروهای داخل و خارج در جهت اجرای طرح‌ها و برنامه‌هایی بکار گرفته شوند که با حد اکثر بهره‌وری حد اقل زیان و خسارات مالی و جانی راهمراه داشته باشد .....

مقصود این است که مبارزان داخل و خارج بدانند که باکی و کجاست با بگیرند و فرمان کی و چگونه عمل کنند و سازمان و تشکیلاتی باشد که یک امیر ارتش <ارتش‌دوایی> براحتی هدف ترور جمهوری اسلامی قرار گیرد و جنازه اش مدت‌ها روی اسفالت خیابان پاریس افتاده باشد.....

برکیاست و درایت شهریار ایران پوشیده نیست که نمیشود گفت ایرانیان خودشان برای خودشان فرمانده تعیین کنند. چراکه منش ایرانی چنین ذوقی رابه ایرانیان اصیل نمیدهد بهمین اعتبار و احترام به این شناخت عمیق اجتماعی است که قانون اساسی تکالیف خاصی رادراین مورد بعهده پادشاه نهاده است. شخص اعلیحضرت هم به این عادت و منش ما ایرانیان آگاه هستند که فرموده اند:

«امروز رهبران زیادی در تبعید هستند که هر یک ادعای میکنند کلید های آینده ایران در دست آنهاست .... ولی من فکرمیکنم تنها سلطنت میتواند برآیند آنان باشد ..... اگر مدتی چنین دراز سکوت کردم دقیقا به خاطر آن بود که این افراد بتوانند آزادانه اعتقادات خود را بیان و میزان محبوبیت خود را نزد ملت ایران بیازمایند اما امروز بوضوح معلوم میشود که ملت ایران نیازمند یک ناجی است که کاملا به او اعتماد داشته باشد یک ناجی واقعی که وسوسه آنرا نداشته باشد که پس از بدست گرفتن قدرت بگوید حالا که هستم نمیروم این چنین چیزی در مورد یک پادشاه صدق نمیکند (مصاحبه فیگاروسال ۱۳۶۱) سکوت اعلیحضرت با علم به موقعیت انحصاری فرماندهی خودشان و مشروعیت آن سبب شده که مبارزه در ۵ سال گذشته بی سامان و پاشیده از هم باشد آیا باید منتظر ادامه تلاش بیحاصل از ۵ سال به ۱۰ و ۲۰ سال باشیم؟ (وای بر ما که نمیدانستیم سکوت و بی فرماندهی حاکم بر مبارزه به ۳۳ سال خواهد رسید که رسیده است)

### اعلیحضرتا

تشکیل دولت و شرکت در آن البته که از وظایف پادشاه نیست ولی صدور فرمان نخست وزیری برای تشکیل دولت حتما و به اعتبار صراحت متمم قانون اساسی در صلاحیت پادشاه است .....

اعلیحضرتا راه ادامه نبرد شکوهمند و پیروزی آفرین، صدور فرمان تشکیل دولت است تا آن دولت، هم اکنون به مقتضای موقعیت به اقدامات دامنه دار وسیعی دست بزند ..... بخشی از اقدامات شرح داده شده است (همان سنگر ۲۰ اسفند ۱۳۶۲)

این دولت با انجام برنامه‌های صحیح و تمهید مقدماتی، موجبات شناسائی فاکتوری خود را از کشورهای آزاد جهان فراهم میسازد فراموش نکنیم که مفسر کانال ای - بی - سی آمریکا گفت رئیس جمهور آمریکا باید حکومت در تبعید ایران را که از سوی رضاشاه دوم تشکیل میشود برسمیت بشناسد (سنگر ۱۹۶)

مقصود از اشاره به اظهار نظر مزبور این است که شرائط جهانی و افکار آن نیز مستعد تشکیل دولت در تبعید بوده است

.....

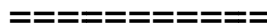
اعلیحضرتا، مردی کاردان ووطن پرست، مصمم ویاقدرت، وفاداربه قانون اساسی مشروطیت وسلطنت آن شهریار و بدور از اتهام وابستگی به بیگانه رامسنول تشکیل دولت موقت ونجات ایران بفرمائید این تکلیف قانونی که باپشتوانه سوگند چشم به شهریارایران دوخته است، درانتظار اراده اعلیحضرت است. نهراسید درمسیرانجام تکلیف وتعهد ورسالت قرارگیرید.

یکی از حکما میگوید حوقتی شما درمسیرقرارگرفتید هدف به استقبال شما میآید:

سودای میان تهی زسربیرن کن ازحرف بکاه وبرعمل افزون کن

ایران تو، عشق است چوراهش بروی اوخود به زبان حال گوید چون کن

به ایرانیاتی که میگویند «چراشاه کاری نمیکند وامید وانتظار آنان بسوی پادشاهشان است، پاسخ عملی دهید. نگران امکانات مالی این تصمیم قانونی وهیتی نباشید که تاریخ وفرهنگ ایرانیان حاکی است که: برات پادشاه برای نجات کشورش هرگز نکول نمیگرد



وانتظار برای این حرکت تاریخی و سمبلیک همچنان ادامه دارد

ح-ک